

تحلیل بهار عربی و علل ناکامی آن در اردن با استفاده از نظریه آشوب

علی باقری دولت آبادی*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

اسمعیل پورجعفر

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

چکیده

از وقوع بهار عربی در منطقه‌ی خاورمیانه قریب سه سال می‌گذرد، اما گذر این زمان مانع از فروکش کردن این تب در میان کشورها نشده و همچنان برخی دولت‌های منطقه با آن درگیرند. در این میان کشور اردن از معدود کشورهای منطقه بود که خیلی زود این بحران را پشت سر نهاد و به جریان طبیعی حکومت بازگشت. سوال اصلی که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد این است که چرا بهار عربی در اردن ناکام ماند؟ از آنجاکه پدیده‌های علوم اجتماعی عموماً چند متغیری هستند، فرضیه‌ی پژوهش نیز این مساله را در سه عامل جستجو نموده است:

۱- اصلاحات و نحوه‌ی برخورد رژیم اردن با اعتراضات. ۲- شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داخلی این کشور. ۳- عوامل و نیروها و سیاست‌های بین‌المللی. برای این منظور از نظریه‌ی آشوب و روش توصیفی _ تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگرچه خاندان هاشمی در اردن به صورت موقت توانست خطر سرنگونی را پشت سر بگذارد اما پتانسیل انقلاب همچنان در این کشور فعال است و با تغییر در معادلات منطقه‌ای و بین-المللی در آینده، این کشور می‌تواند انقلاب جدیدی را تجربه نماید.

واژگان کلیدی: بهار عربی، نظریه آشوب، اثر پروانه‌ای، اردن.

۱- مقدمه

جنبش‌ها و خیزش‌هایی که از سال ۲۰۱۱ در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه شروع و به بهار عربی معروف گردید با فرایندی دومینویی، بسیاری از کشورها را درهم نوردید. در برخی از کشورها منجر به انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی گردید و در برخی دیگر تاثیر قابل توجهی را برجای گذاشت. در این میان، کشور اردن تا حدودی از این تحولات در امان ماند. آنچه در این مقاله مورد سؤال است این است که چه عواملی باعث رهایی اردن از این بحران شده‌است و چرا بهار عربی در این کشور به انقلاب سیاسی و اجتماعی منجر نگردید؟ برای تحلیل و پاسخگویی به این سؤال به تئوری آشوب و بی‌نظمی استناد می‌کنیم و در چهارچوب دو دسته عوامل داخلی (اقدامات دولت، شرایط اجتماعی و فرهنگی) و عوامل بین‌المللی به بررسی موضوع خواهیم پرداخت. برای این منظور از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

۱-۱- پیشینه‌ی تحقیق

درخصوص تاثیر بهار عربی در تحولات اردن و بررسی رهایی آن کشور از این اعتراضات، در ایران تحقیق قابل توجهی صورت نگرفته ولی در تحقیقات خارجی این مساله مورد توجه قرار گرفته است. این بررسی‌ها از دو جهت اهمیت دارد؛ نخست بهره‌گرفتن سایر دولت‌ها از این تجربیات برای آینده‌ی سیاسی کشور خود و دوم شناسایی نقاط قوت و ضعف دولت اردن برای هرگونه برنامه‌ریزی در آینده. برخی از این مقالات به بررسی سیستم پادشاهی به‌عنوان طبیعت سیاست در اردن می‌پردازد (abu-rish, 2012) و برخی دیگر بر تفاوت ویژگی‌های بهار عربی از کشوری به کشور دیگری تاکید می‌کند (Anderson, 2011). بررسی از بعد بین‌المللی و خارجی نیز از جمله رویکردهایی است که در بخش دیگری از تحقیقات به آن اهتمام شده است. (Barnes-dacey: 2012) برخی از محققین به اقدامات، تلاشها و عواملی که بر ثبات اردن در مقابل اعتراضات تاثیر می‌گذارد، اشاره دارند (shadi: 2011) و گروهی دیگر به نقش اردنی‌های فلسطینی در این ماجرا می‌پردازند (Jamjoum: 2012). احزاب و گروه‌های سیاسی که توان تاثیرگذاری بر ساختار سیاسی اردن دارند از جمله موارد دیگری است که در دسته‌ی بعدی مورد بررسی قرار گرفته است (lucas: 2008)، اصلاحات در اردن نیز در مقالات زیادی مورد توجه واقع شده‌است که از جمله‌ی آنها مقاله‌ی "موعاشر" می‌باشد. (muasher: 2011) با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت این تحقیق در ایران پیشینه ندارد و نویسندگان کوشیده‌اند به جای نگاه تک‌علتی، مجموعه‌ای از علل را در تحلیل خود لحاظ نمایند.

۱-۲- تعریف مفاهیم

۱- تئوری آشوب: آشوب در لغت به معنی درهم‌ریختگی، آشفتگی و بی‌نظمی است و به معنی فقدان هرگونه ساختار یا نظم است. اما با پیدایش نگرش جدید و روشن شدن ابعاد علمی و نظری آن، امروزه بی‌نظمی به معنی سازمان نیافتگی، ناکارائی و درهم‌ریختگی تلقی نمی‌شود.

بلکه بی‌نظمی وجود جنبه‌های غیر قابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌های پویاست که ویژگی‌های خاص خود را داراست. (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷)

"هیلز" در تعریف آشوب می‌گوید "بی‌نظمی و آشوب نوعی بی‌نظمی منظم یا نظم در بی‌نظمی است. بی‌نظم از آن رو که نتایج آن غیر قابل پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است" همچنین "آدامز" آشفتگی را اینطور تعریف می‌کند "از آشفتگی زندگی زائیده می‌شود در حالی که از نظم، عادت به وجود می‌آید." (الوانی، ۱۳۸۴: ۳۸)

۲- بهار عربی (arab spring): مقصود از بهار عربی مجموعه تحولاتی است که از ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ شروع و در سال ۲۰۱۱ کشورهای تونس، یمن، مصر و لیبی را تحت تاثیر خود قرار داد و منجر به تغییر دولت و اصلاحاتی در ساختار سیاسی این کشورها گردید. این جنبش‌ها علاوه بر عنوان "بهار عربی" نام‌های دیگری مانند "بهار و زمستان عربی"، "انقلاب عربی"، "بیداری عربی"، "خیزش عربی"، "آزادی‌خواهی عربی" و در مواردی هم "بیداری اسلامی" و یا "بهار اسلامی" به خود گرفته است. اما مقصود ما در اینجا از بهار عربی تحولاتی است که از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ در اردن شروع شد که تا امروز هم به مانند آتش زیر خاکستر گاه‌گاهی خود را به صورت پراکنده نشان می‌دهد. (Sorensen, 2011: 10)

۳- اثر پروانه‌ای: طبق تعریف دکتر "لورنز" اثر پروانه‌ای به این معنی است که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه‌ی معادلات پیش‌بینی کننده، منجر به نوسانات عظیمی در پاسخ سیستم و تغییرات شدید در نتایج حاصل از آن می‌شود. (الوانی، ۱۳۷۸: ۸)

۲- نظریه‌ی آشوب یا بی‌نظمی (chaose theory)

در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، در حوزه‌ی ریاضیات و فیزیک مدرن، روش علمی و تئوری جدید و بسیار جالبی به نام «آشوب» پا به عرصه ظهور گذاشت. این نظریه، مرتبط با سیستم‌هایی است که دینامیک آنها در برابر تغییر مقادیر اولیه، رفتار بسیار حساسی نشان می‌دهد؛ به طوری که رفتارهای آینده‌ی آنها دیگر قابل پیش‌بینی نیست. به این سیستم‌ها، سیستم‌های آشوب گفته می‌شود که از سیستم‌های غیرخطی دینامیک هستند و بهترین مثال برای آنها، جریانات هوایی و دوره‌ی اقتصادی است. تئوری آشوب دینامیک مسائل بسیار پیچیده‌ای مانند اتمسفر زمین، جمعیت حیوانات، جریان مایعات، تپش قلب انسان، فرآیندهای زمین‌شناسی و ... را مورد بررسی قرار می‌دهد.

انگاره‌ی اصلی و کلیدی تئوری آشوب این است که در هر بی‌نظمی، نظمی نهفته است. به این معنا که نباید نظم را تنها در یک مقیاس جستجو کرد. هنگامی یک سیستم را غیر قابل پیش‌بینی (نامنظم) می‌نامند که تعیین جایگاه بعدی آن غیرممکن باشد و هیچ گونه امکان پیش‌بینی در مورد آن وجود نداشته باشد. چنین سیستمی، هرگز دو بار در یک مکان فرود نمی‌آید. اما طبق نظریه‌ی آشوب اگر ما چنین سیستمی را برای مدت کافی تحت نظر قرار دهیم، با بررسی حالات سیستم در لحظات گوناگون زمان، متوجه می‌شویم که سیستم مذکور همواره نظم ذاتی

خود را به نمایش می‌گذارد. حتی غیر قابل پیش‌بینی‌ترین (آشفته‌ترین) سیستم‌ها نیز همواره در محدوده مرزهای معینی حرکت می‌کنند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند. پدیده‌ای که در مقیاس محلی، کاملاً تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد چه بسا در مقیاس بزرگتر، کاملاً پایا و قابل پیش‌بینی باشد. (ادگار، ۱۳۸۸: ۲۱)

۲-۱- تصمیم‌گیری در نظریه‌ی آشوب

مدل‌های مدیریتی مختلفی برای تصمیم‌گیری ارائه شده است که مربوط به شرایط مشخص و باثبات است. در نظریه‌ی آشوب بی‌نظمی بر همه‌ی عرصه‌های علمی سایه افکنده است که تصمیم‌گیری نیز در چهارچوب آن شکل می‌گیرد. در نگرش‌های سنتی تصمیم‌گیری فرایند قابل پیش‌بینی است در حالی که این نظریه پیش‌بینی آینده را کار بی‌هوده فرض می‌کند یا حداقل معتقد است پیش‌بینی قطعی و یقینی آن دشوار است. در این تئوری اطلاعات کامل و صحیح دست-یافتنی نیست.

یکی از مدل‌های تئوری آشوب مدل ظرف زباله است که به بی‌نظمی شرایط تصمیم‌گیری اشاره دارد. "کوهن"، "مارچ" و "السن" می‌خواستند تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و نامنظم را توصیف کنند. این مدل مدل‌های عقلایی و سیاسی را به دلیل عدم حساسیت آنها به شرایط بی-نظم بی‌اعتبار می‌داند. (الوانی و دانایی فر، ۱۳۷۸: ۴۲) کوهن ابهام سازمان‌های عقلانی را به سه شکل بیان می‌کند:

- ۱- ابهام در تعیین صریح و روشن اولویت‌ها
 - ۲- ابهام در تعیین روابط علت و معلولی (چون شناخت از طریق آزمون و خطاست)
 - ۳- ابهام ناشی از شرایط، توانایی و نحوه‌ی مشارکت اعضای دخیل در تصمیم‌گیری
- بنابراین تصمیم‌گیری فرایندی آشفته و بی‌نظم می‌شود که در آن با انتخاب‌هایی مواجه هستیم که هدفشان حل مشکلات ایجاد شده است و تصمیم‌گیرندگان که نه دقیق و عقلانی بلکه با موقعیت خاصی که در آن قرار گرفته‌اند می‌خواهند در محدوده‌های زمانی کوتاه تصمیماتی اتخاذ کنند. (بوم، ۱۹۹۸: ۱۷) در شرایط پرآشوب، گروه‌های ناراضی به هنگام رویارویی با سیطره‌ی سیاسی باید از میان انواع متفاوت تاکتیک‌ها یکی را انتخاب کنند؛ نظیر خشونت در برابر رفتار مسالمت‌آمیز، علنی یا پنهانی، سازمان‌یافته یا خودجوش و ... در واقع اهداف و توقع دستیابی به اهداف، افراد و گروه‌ها را برای تصمیم‌گیری مناسب جهت شرکت در یک فعالیت اعتراض‌آمیز راهنمایی می‌کند. (آپتر و اندربین، ۱۳۸۰: ۸)

بسیاری بر این باورند که جهانی شدن، اصلاح سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی بر اساس ضرورت‌ها و مبانی متحول و جدید جهانی را به یکی از مهمترین اهداف استراتژیک دولت‌های در حال توسعه، فارغ از نوع و چگونگی ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها و اهداف خرد و کلانی که هرکدام دنبال می‌کنند، بدل کرده است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۲۵) بنابراین بهار عربی اگرچه رویکردی آزادی‌خواهانه دارد ولی دارای فرایندی یکنواخت

نیست و نمی‌توان سر منشأ و آینده‌ای واحد برایشان در نظر گرفت. در حالی‌که در تونس جنبش صلح‌آمیز بود، در لیبی در نتیجه‌ی جنگ داخلی به نتیجه رسید. (Dadush, 2011: 13) همان‌طوری‌که هیلز می‌گوید، آشوب ناکارآمدی و به هم ریختگی نیست، بی‌نظمی و آشوب نوعی بی‌نظمی منظم و یا نظم در بی‌نظمی است، بی‌نظمی به این معنی که نتایج آن غیر قابل توصیف و پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است؛ قطعیت آن بدین خاطر است که بی‌نظمی دلایل درونی دارد و به علت اختلالات خارجی رخ نمی‌دهد و اتفاقی بودن به دلیل آن که رفتار بی‌نظم، بی‌قاعده و غیر قابل پیش‌بینی است". (قدمی و نیازمند، ۱۳۷۸: ۱۴) برخی تأثیرات عمده‌ای که این تئوری بر رفتار و تصمیم‌گیری دارد را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

الف - تاکید بر تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت به جای تصمیمات بلند مدت. ب - برنامه‌ریزی اقتضایی و انعطاف‌پذیر. ج - اهمیت نگرش‌های شهودی نسبت به نگرش عقلایی. پ - ایجاد ساختارهای موقتی. ت - اصلاح ساختارها با توجه به جهان پر آشوب. بعد از توضیحاتی که در باب این تئوری ارائه شد به تبیین ویژگیها و شاخصه‌های اصلی آن می‌پردازیم.

۲-۲- ویژگی‌های نظریه‌ی آشوب

۱- اثر پروانه‌ای (butterfly effect)

دکتر لورنز در سال ۱۹۷۳ در محاسبات دستگاه معادلات دیفرانسیل به این نتیجه رسید که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه‌ی معادلات پیش‌بینی‌کننده، منجر به نوسانات عظیمی در پاسخ سیستم و تغییرات شدید در نتایج حاصل از آن می‌شود؛ این مسئله سنگ بنای تئوری آشوب گردید. (الوانی، ۱۳۷۸: ۸)

۲- خود سازمانی (Dynamic adaptation)

در محیط در حال تغییر امروزی، سازمان سیستم‌های بی‌نظم در ارتباط با محیط اطرافشان مانند موجودات زنده عمل می‌کنند و روابط پایدار بین افراد، الگوهای رفتاری و طرز تلقی و فرهنگ‌هاست که برای رسیدن به موفقیت همواره باید خلاق و نوآور باشند. بنابراین برای حفظ پویایی نیاز به تغییرات اساسی درونی دارد که این تغییرات به جای سازگاری و تطبیق با محیط، موجب سازگاری پویا می‌شود که نتیجه‌ی آن دگرگونی روابط پایدار، الگوهای رفتاری و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و فرهنگ‌هاست. (استیسی، ۱۹۹۸: ۴)

۳- خودمانایی (self_similarity)

بدین گونه که هر جزیی در تئوری آشوب و معادلات عملیات آن نوعی شباهت بین اجزا و کل، قابل تشخیص است. هر جز از سیستم دارای ویژگی کل بوده و مشابه آن است. "دنيس گابور"

در سال ۱۹۴۸ برای اولین بار هولوگرامی را بدین صورت بیان کرد: جزء خاصیت کل را دارد و مانند آن عمل می‌کند. سیستم توانایی یادگیری را دارد، سیستم دارای توانایی خود سازماندهی است، حتی اگر قسمت‌هایی از سیستم برداشته شود سیستم به راحتی می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. دنیس گابور معتقد است، از خاصیت خودمانایی می‌توان در سازماندهی سازمان‌های جدید بهره گرفت و سازمان‌هایی طراحی کرد که هر واحد آن به صورت خودکفا قادر به انجام وظایف سازمانی باشد. (جیسون، ۱۹۹۶، ص. ۸). این خاصیت می‌تواند در رفتارهای اعضای سازمان نیز نوعی وحدت ایجاد کند به گونه‌ای که همه‌ی اعضا به یک سو و یک جهت و هدف واحد نظر دارند. (الوانی، ۱۳۷۸: ۱۱)

۴- جاذبه‌های عجیب (strang attractors)

جاذبه‌های نقطه‌ای و دوره‌ای، پایه‌های فیزیکی نیوتنی کلاسیک است که بیانگر الگوی نظم و یا ثبات در حرکت پدیده‌ها و روابط آنهاست مانند حرکت دادن یک مداد روی کاغذ حول محور خودش به شعاع یکسان که منجر به رسم دایره‌ای با شعاع مشخص خواهد شد. غیر قابل پیش‌بینی بودن رفتار در جاذبه‌های عجیب، تابع دو پدیده است: اولی مربوط به حساسیت نسبت به شرایط اولیه است که لورنز آن را اثر پروانه‌ای نامید. دوم این‌که تغییرات شدید رفتارهای نامنظم و دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی حرکات، همه در درون خود نظمی نهفته دارند. تغییرات شدید، رفتارهای نامنظم، دگرگونی‌های غیر قابل پیش‌بینی، حرکت‌های بحرانی همگی به الگویی ختم خواهد شد که یافتن آن هنر مدیریت سازمان است تا بتواند توسط آن نوعی پیش‌بینی را میسر سازد. در این آشوب‌ها، جاذبه‌ها به مدیران این امکان را می‌دهد که به الگوهایی دست یابند که به بی‌نظمی‌ها نظم داده و قالبی منظم برقرار سازند. مدیریت آینده نیازمند یافتن جاذبه‌های غریبی است که این نظم غایی را آشکار سازد. (بروس و ماریون، ۱۹۹۹: ۷) "جیمز روزنا" از جمله نظریه‌پردازان تئوری آشوب در حوزه‌ی سیاسی است. وی برای تبیین نظام آشوب از مفاهیمی چون گسترش فناوری‌های ارتباطات، تغییر در مهارت‌های تحلیلی افراد، افزایش و تعدد گروه‌ها، کاهش اقتدار رهبران گروه‌های سیاسی _ اجتماعی و تعدد نقش‌های افراد، استفاده می‌کند از نظر روزنا کنش و واکنش این متغیرها در تعامل با هم موجب شکل‌گیری نظمی در درون بی‌نظمی در جهان کنونی می‌شود در واقع با برشمردن این عوامل پارامترهای موثر در شکل‌گیری سیستم سیاسی پیچیده و آشوبناک را مطرح می‌کند، عواملی که جمع شدن آنها به ساختار آشوب منتهی می‌شود. (روزنا، ۳۸۴: ۱۲)

۲-۳- تئوری بی‌نظمی و بهار عربی

هدف از ارائه‌ی این مقاله بررسی و تبیین پدیده‌ی سیاسی مهمی چون تحولات سیاسی جهان عرب در قالب تئوری بی‌نظمی است که در آن وقایع بر اساس شاخصه‌هایی چون حساسیت نسبت به شرایط اولیه (اثر پروانه‌ای)، تکرارپذیری، الگوی سازمانی جزئی - کلی، مورد توجه قرار می‌گیرد. اگرچه نظریه آشوب بیشتر در علوم دقیقه مورد استفاده قرار گرفته است ولی در علوم انسانی و بخصوص در علوم سیاسی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی نیز مورد توجه واقع شده است. چه بسیار وقایع و تصمیمات کوچک و بی‌اهمیتی که باعث به‌وجود آمدن انقلاب‌ها و تحولات بزرگی شده است، نمونه‌ی این موارد را در تاریخ سیاسی ایران در انتشار مقاله‌ی احمد رشیدی مطلق می‌توان یافت که جرعه‌ی انقلاب اسلامی را زد. مشابه این اتفاق را در تحولات سیاسی جهان هم می‌توان مشاهده کرد که شاید نمونه‌ی اخیر آن شروع بهار عربی باشد. این جنبش که بسیاری از کشورها را درنوردیده با خودکشی یک دست‌فروش جوان در کشور تونس آغاز گردید و علاوه بر شروع این تحولات، تکرارپذیری و وقوع مداوم آن در جوامع مختلف از یک سو و ارتباط جزئی - کلی آن (به این معنی که جنبش در هر یک از این جوامع به‌طور مستقل و بدون اتکا به دیگری به حرکت خود ادامه داده است) از سوی دیگر، به اهمیت کاربرد این نظریه در بررسی تحولات سیاسی مهر تایید می‌زند. همچنین با توجه به آنچه در بحث تصمیم‌گیری در نظریه‌ی آشوب مطرح شد برخلاف نگرش سنتی که در آنها ساختارها و تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت مشخص، مطلق و قابل پیش‌بینی شکل می‌گیرند، در شرایط بی‌نظمی ساختارها محدود و موقتی طراحی و برنامه‌ریزی می‌گردند و تصمیم‌گیری مدیران وقتی می‌تواند پاسخگو و مؤثر باشد که رویکرد اصلاحی داشته و به‌صورت اقتضایی، کوتاه‌مدت و انعطاف‌پذیر باشد. بنابراین براساس این تئوری کوچکترین تصمیمات و اتفاقات سیاسی نباید نادیده گرفته شود و بر همین مبنا تحولات سیاسی اردن نه تنها تحت تاثیر اتفاق بهار عربی قرار گرفته بلکه به‌طور متفاوتی از سایر کشورها دنبال شده است. در این میان اقدامات و تصمیمات حاکمان این کشور بسیار تعیین‌کننده بوده است به‌طوری‌که تا امروز توانسته است از وقوع انقلاب سیاسی در این کشور جلوگیری نماید که در بخش موانع تحقق بهار عربی در اردن به آنها اشاره خواهد شد.

۳- اردن و ساختار سیاسی آن

کشور پادشاهی اردن در شرق رود اردن واقع شده است. جمعیت این کشور ۶,۵ میلیون نفر است. اردن از لحاظ اداری به ۱۲ استان تقسیم می‌شود. هر یک از استان‌های دوازده‌گانه اردن توسط استانداری اداره می‌شود که انتصاب آن توسط پادشاه اردن صورت می‌گیرد. بر اساس قانون اساسی ۱۹۵۲ اردن، این کشور مشروطه سلطنتی است. قوه‌ی مجریه و هیئت وزیران در اختیار پادشاه اردن است. شاه همه‌ی قوانین را امضا و تصویب می‌کند. پادشاه می‌تواند با ارائه‌ی حکم، تمام قضات را نصب و خلع و اصلاحیه قانون اساسی را تصویب کند (Helfont, 2012).

هیئت وزیران به ریاست نخست‌وزیر توسط پادشاه تعیین می‌شود، پادشاه همچنین می‌تواند بنا به درخواست نخست‌وزیر هر کدام از اعضای کابینه را اخراج کند. کابینه باید در مورد موضوعات مربوط به سیاست کلی، در برابر مجلس نمایندگان اردن پاسخگو باشد و این مرجع می‌تواند با رای «عدم اعتماد» دو سوم از اعضایش، کابینه را ناچار به استعفا کند. نظام حقوقی اردن بر مبنای شرع اسلام و قوانین فرانسه است. قوه‌ی مقننه در اختیار «مجلس ملی» اردن است که از دو مجلس مقننه تشکیل می‌شود.

مجلس نمایندگان اردن از صدوپنجاه عضو تشکیل شده که اعضای آن در رای‌گیری همگانی و بر اساس قانون تک‌رای برای یک دوره‌ی چهار ساله انتخاب می‌شود. مجلس چهل نفری سنا برای یک دوره هشت ساله توسط پادشاه منصوب می‌شود (کتاب سبز اردن، ۱۳۸۷: ۷۵) در این کشور پنج حزب رسمی به شرح ذیل مشغول فعالیت هستند:

جریان ملی اردن: جریان ملی اردن را باید هم‌پیمانی و ائتلافی میان احزاب و شخصیت‌های بارز سیاسی اردن برشمرد که می‌خواهند نقشه‌ی حزبی این کشور را تغییر دهند که در اختیار «جمعیت اخوان المسلمین» این کشور است. رهبری این حزب را سیاستمداران بزرگ و کهنه‌کار اردن بر عهده دارند.

جبهه‌ی عمل اسلامی: حزب «جبهه عمل اسلامی» اردن شاخه اخوان‌المسلمین است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تاسیس شد و بزرگترین حزب موجود در کشور اردن است که دارای مجلس شورا، دبیرکل و ساختار بزرگی است. جبهه عمل اسلامی اردن بزرگترین طیف مخالف دولت است که همواره سیاست‌های ضد اسرائیلی را در دستور کار خود دارد و بزرگترین تنش میان این حزب و دولت اردن بر سر پیمان صلح با اسرائیل (موسوم به وادی عربیه) است. (16 bar, 1998)

حزب کمونیست اردن: این حزب در سال ۱۹۵۵ میلادی تاسیس شد این گروه مدت زیادی طول نکشید که از هم متلاشی شد. هر چند در سال ۲۰۰۵ بیشتر اعضای این حزب جدا شدند ولی رهبران آن همچنان به‌دنبال ادامه‌ی راهکارها برای جذب افراد جدید هستند.

حزب بعث عربی: این حزب در حقیقت نشأت گرفته از اندیشه‌ی فکری حزب بعث عربی سوسیالیستی سوریه است. این حزب در سال ۱۹۹۳ میلادی و به‌دنبال اتحاد عربی سوسیالیسم و حزب بعث عراق تشکیل شد، ولی هیچگاه نتوانست محبوبیت لازم را در میان سیاستمداران و جوانان و دانشجویان پیدا کند و سقوط نظام صدام که بزرگترین حامی حزب بعث بود، ضربه سنگینی بر پیکره‌ی این حزب وارد آورد و آن را از درون متلاشی کرد.

حزب دموکراسی اردن: نام اصلی این حزب، حزب چپ مارکسیست اردن است که در سال ۱۹۹۳ میلادی تاسیس شد، این حزب در حقیقت امتداد فکری جبهه‌ی دموکراسی آزادی‌بخش فلسطین در اردن است. برنامه‌ها و خط فکری این حزب از جمله احقاق حقوق طبقه‌ی کارگر و کشاورز، ایجاد اصلاحات اساسی در کشور، مساوات میان زن و مرد، تعمیق دموکراسی بر

اساس تعدد احزاب و جناح‌ها است. این حزب در طول بیش از ۱۵ سال فعالیت خود نتوانسته جایگاه مناسبی میان شهروندان اردن پیدا کند (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۴۵) در کل، سه گروه عمده را در اعتراضات سیاسی اردن می‌توان برشمرد؛ اول گروه‌های اسلام‌گرا که اصلی‌ترین آنها اخوان‌المسلمین است و رویکرد آنها اصلاحات ساختاری و امکان قدرت‌یابی آنهاست. دوم گروه‌های چپ هستند؛ آنها به جای اصلاحات سیاسی بر اصلاحات اقتصادی تاکید دارند. سوم گروه‌های قومی و محلی هستند که از توان بسیج اجتماعی بالایی برخوردارند (Lucasr, 2008: 7). بعد از آشنایی اجمالی با ساختار سیاسی اردن به بررسی علل نا آرامی‌ها در این کشور به عنوان گام اول در این مقاله می‌پردازیم.

۳-۱- علل اعتراضات در اردن

اثر پروانه‌ای اعتراضات تونس به سرعت در کشورهای مختلف عربی به طوفانی بزرگ تبدیل شد که تبعات آن به کشور اردن نیز سرایت کرد و به‌عنوان محرکی برای اعتراضات مردمی این کشور درآمد. در ژانویه ۲۰۱۱، در اردن نیز مثل بقیه‌ی جهان عرب، تظاهرات و مطالبات عمومی برای تغییر در شهرهای عمده‌ی کشور شروع شد. تظاهرکنندگان شامل مردان و زنان در تمام سنین، اسلام‌گرایان اخوان‌المسلمین در اردن، گروه‌های چپ، و همچنین افراد بیکار و تحصیل کرده بودند. تقاضای آنها اصلاحات اقتصادی و سیاسی بود. معترضان خواستار اقدام در مورد نرخ بالای بیکاری، افزایش مالیات‌ها و قیمت‌ها و کاهش فساد بودند و یکی از مطالبات اصلی آنها، استعفای نخست‌وزیر و کابینه و تجدید نظر در قانون انتخابات و استقرار انتخابات عادلانه و آزاد بود. (Roxana, 2011: 11). تظاهرات اولیه در اردن به شکل آرام و مسالمت‌آمیز و سازمان‌یافته صورت گرفت. از جمله‌ی این اعتراضات تظاهرات کمیته‌ی ملی بازنشستگان نظامی در ماه می ۲۰۱۰ که به نمایندگی از صدوچهل هزار نفر نظامی نوار شرقی اردن صورت گرفت که طی بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به فساد شده بود. (assaf, 2010: 6) همچنین در فوریه ۲۰۱۱ در بیانیه‌ای که از سوی ۳۶ شخصیت قبیله‌ای منتشر شد به انتقاد از سلطنت پرداخته و خواستار رفع فساد مراکز قدرت شده بودند. (ashar susser, 2011: 5) در چهارده ژانویه ۲۰۱۱، تظاهرات در عمان پایتخت اردن، و همچنین در معان، کرک، السلط، اربد، و دیگر نقاط آغاز شد که توسط اعضای اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ رهبری شد که خواستار کناره‌گیری "سمیرالرفاعه"، نخست‌وزیر دولت بودند (The Guardian: 2011) پس از اعتراض، دولت افزایش قیمت سوخت را لغو کرد، (Al Jazeera, 16 January 2011) اما به رغم این تلاش‌ها در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱ ۵۰۰۰ نفر در شهر عمان در راستای کاهش فقر و فلاکت اقتصادی اردن، دست به اعتراض زدند. در اول فوریه، کاخ سلطنتی اعلام کرد که ملک عبدالله به دلیل اعتراضات خیابانی دولت را عزل کرده و از "معروف البخیت"، ژنرال سابق ارتش خواسته بود تا کابینه جدید را تشکیل دهد (Al Jazeera, 1 February 2011). ملک عبدالله، از بخیت خواست تا قدم‌های سریع، محکم و عملی برای راه‌اندازی روند اصلاحات سیاسی واقعی

بردارد. اما این موضع اعتراضات را پایان نداد، و در بیست‌وینج فوریه با یک تظاهرات شش تا ده‌هزار نفری به اوج خود رسید (BBCNews, 25 february 2011). اما حداقل یک نفر کشته و بیش از صد نفر زخمی شدند. در نوامبر ۲۰۱۱، اعتراضات ادامه پیدا کرد و مجلس تحت فشار اعتراضات خیابانی، خواستار انحلال دولت بخیت شد. ملک عبدالله بخیت و کابینه‌اش را عزل کرد و در ۱۷ اکتبر "عون شوکت‌الخصاونه" را به ریاست دولت جدید منصوب نمود (Al Jazeera, 17 October 2011). همزمان با ادامه اعتراضات در سال ۲۰۱۲، الخصاونه استعفا داد و پادشاه، "فایزال تراونه" را رئیس دولت اعلام کرد. با وجود اقدامات اصلاحی مثل برگزاری انتخابات زود هنگام، برقراری یارانه‌ی برخی از کالاهای مصرفی و برکناری دولت‌ها و... اعتراضات همچنان ادامه داشته است. در ادامه به بررسی عوامل تاثیرگذار در این نارضایتی‌ها و اعتراضات می‌پردازیم که بحران و اعتراضات موجود در کشورهای همسایه و منطقه یکی از این عوامل می‌باشد.

۱- همسایگی با کشورهای پر آشوب

آغاز یک حرکت اعتراضی هرچند با یک اتفاق کوچک در شرایط پر آشوب و با تکیه بر نظم درونی خود برای بازسازی و تکمیل می‌تواند تحولات بسیار بزرگی را به وجود بیاورد (اصل خود سازماندهی نظریه آشوب) اما لزوماً نتایج مشابهی به همراه نخواهد آورد. در مورد تحولات اردن باید گفت مقتضیات جامعه‌ی اردن قرارگرفتن در میان کشورهای بحرانی است. همسایگی این کشور با سوریه، عراق و فلسطین باعث شد تا برخی از پیامدهای تحولات آنها در این کشور تجلی پیدا کند؛ بارزترین این کشورها فلسطین است. اردن از ابتدای شکل‌گیری، میزبان آوارگانی بود که در اثر اشغال فلسطین به این کشور مهاجرت کردند. اردن بیش از ۶ میلیون نفر جمعیت دارد و میزبان ۲ میلیون آواره فلسطینی است و این شمار بیش از ۳۰ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. این امر گره‌خوردگی سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اردن با مسئله‌ی فلسطین را دوچندان می‌سازد و از همین روست که همیشه به مثابه سرزمین جایگزین برای فلسطینیان مطرح بوده است (Jamjoum, 2012: 15).

اردن در زمان حمله‌ی آمریکا به عراق میزبان آوارگان عراقی هم بوده است. از سال ۲۰۰۳ به بعد بیش از نیم میلیون عراقی در این کشور مقیم شده‌اند. این امر به نوبه خود توان اقتصادی اردن را ضعیف کرده است (روزنامه مردمسالاری، ۲۴ مرداد ۱۳۸۶). بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ تعداد آوارگان عراقی در این کشور رو به افزایش است. اما پناهجویان سوری نیز به این جمع اضافه شده است به طوری که در استان "المفرق" شمار آوارگان سوری از شمار اردنی‌ها فراتر رفته است. بازخوردهای اقتصادی بحران سوریه بر این کشور در حال افزایش است. روند رو به رشد جمعیت پناهجویان سوری در شهرهای مختلف اردن باعث شده است تا به مثابه نیروی کار ارزان، فرصت‌های شغلی بسیاری را از شهروندان اردنی بگیرند. خودداری پناهجویان از ثبت نام خود در فهرست-

های دولتی باعث شده است تا دولت کنترلی بر آنان نداشته باشد و نتواند آنان را در اردوگاه‌های پناهجویی محدود کند. چنانچه "هلن کلارک" رئیس برنامه سازمان ملل در ۸ اکتبر ۲۰۱۳ در ژنو با تهدید خواندن پناهندگان سوری بر اقتصاد منطقه اظهار داشته است: با ورود پناهجویان سوری به اردن و در نتیجه آمیزش اجتماعی، آینده‌ای دور یا نزدیک در اردن شکل می‌گیرد که حاکمیت نمی‌تواند مانع از آن شود، در نتیجه حتی در صورت حل شدن بحران سوریه، بخشی از این جمعیت پناهجو در اردن باقی خواهند ماند و باری دیگر بر بارهای اقتصادی حاکمیت اردن می‌افزایند (پرس تی وی، ۸ اکتبر ۲۰۱۳). گره خوردگی اقتصادی اردن با سوریه هم باعث ناتوانی دولت در خدمت‌رسانی به شهروندان اردنی شده است و این امر هم در دراز مدت می‌تواند اعتراضات مردمی را در کشور شکل دهد که هر چند اکنون و ابتدا می‌تواند در حد مطالبه برای تغییر دولت باشد اما چه بسا در آینده ارکان پادشاهی چندین ساله‌ی اردن را متزلزل سازد. در مورخه‌ی ۱۳۹۳/۲/۲۲ شبکه‌ی تلویزیونی الجزیره انگلیسی گزارش داد: تامین امنیت اردوگاه "زعتری" محل اسکان آوارگان سوری در اردن به چالشی برای دولت این کشور تبدیل شده است. کشف مواد منفجره در نزدیکی این اردوگاه سبب شد دولت اردن تدابیر امنیتی جدیدی را درباره‌ی آن اجرا کند. سیل آوارگان موجب افزایش قیمت‌های اجاره شده و خدمات عمومی مانند آب‌رسانی و بهداشت با بحران روبرو هستند.

از زمانی که آوارگان سوری پس از آغاز جنگ در سال ۲۰۱۱ به اردن پناهنده شدند، این کشور و سایر کشورهای همسایه با چالش‌های فزاینده‌ی اقتصادی و اجتماعی روبرو شده‌اند. در اوایل ماه اکتبر ۲۰۱۳، وزیر کشور اردن، "حسین المجالی" گفت: کمک‌های خارجی نزدیک به سی درصد از هزینه‌ی مراقبت از آوارگان را فراهم می‌کند. وی گفت: بخش‌های اقتصادی و گردشگری منطقه تحت تاثیر بحران سوریه قرار گرفته‌اند و هزینه‌ی تأمین امنیت آنها برای ارتش اردن بسیار گران است، چرا که ارتش به تنهایی مسئول کنترل و محافظت مرزی و پیشگیری از عملیات قاچاق است. علاوه بر پناهندگان سوری و عراقی، پناهندگان فلسطینی که مدت طولانی در اردن ساکن بوده و در حال حاضر به عنوان جزئی از مردم اردن درآمده‌اند هم با توجه به این‌که تقریباً یک چهارم جمعیت اردن را تشکیل می‌دهند، از یک طرف گرایش‌های ضد اسرائیلی آنها و از طرفی شهروندی درجه دومی آنها در اردن همواره از نظر سیاسی برای دولت اردن یک عامل مشکل‌ساز تلقی شده است.

فعالیت گسترده‌ی گروه‌های رادیکال و تندرو با تفکرات و گرایش‌های القاعده‌ای در مرز اردن و سوریه، اردن و عراق و اردن و عربستان باعث می‌شود تا این گروه‌ها در اثر اشتراکات مذهبی با ساکنان مرزی، زمینه‌ی رشد در این مناطق را بیابند و توان گسترش بخشیدن به افکار و اندیشه‌های خود و در نتیجه امکان عملی کردن تئوری‌های خود درباره‌ی حاکمیت‌های سکولاری نظیر پادشاهی اردن پیدا کنند. این امر یکی از دل‌مشغولی‌های رهبران اردن است و از این رو، همواره کوشیده‌اند تا افتان و خیزان با این چالش برخورد کنند زیرا یکی از پشتوانه‌های

این گروه‌ها عربستان است. (مقتی، ۱۳۹۲: ۱۲) اما اردن به علت دریافت کمک‌های مالی از عربستان چندان نمی‌تواند حرکت این گروه‌ها را مهار کند و بر این پایه، همواره دل‌مشغول مناطق مرزی خود با عربستان و سوریه است (al qilab, 2011: 6). خاصه اگر بدانیم نقطه‌ی خیزش اعتراضات و درگیری‌های مسلحانه در سوریه، استان درعاست که هم مرز با شمال اردن است و شمال اردن همواره یکی از سرچشمه‌های افراطی‌گری بوده است (richter, 2011: 12).



مرز کشور اردن با سوریه که تحت نفوذ گروه‌های افراطی می‌باشد (سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۳)

۲- مسائل فرهنگی و سیاسی

از جمله مقتضیات جامعه اردن که سرایت طوفان بهار عربی به این کشور را فراهم می‌سازد ویژگی‌ها و شرایط فرهنگی و سیاسی اردن است که به سازماندهی و رشد اعتراضات (سازماندهی و خودمانایی) کمک کرده است. در بررسی علل و زمینه‌های اعتراضات اخیر در اردن می‌توان به نقش محوری احساسات ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی مردم اردن اشاره کرد. اردن یکی از کشورهایی است که نزدیکترین روابط را با آمریکا و اسرائیل دارد و این موضوع همواره مورد اعتراض مردم بوده است، همچنین اتخاذ برخی تصمیم‌های مغایر با اصول اسلامی، احساسات مردم را جریحه‌دار ساخته است. به‌عنوان نمونه در دهم نوامبر ۲۰۱۱ جبهه عمل اسلامی بیانی‌های در اعتراض به تصمیم وزیر کشور مبنی بر اشتغال زنان در کلوب‌های شبانه صادر کرد و خواستار برکناری وی شد. در این بیانیه آمده است با وجود این که جامعه‌ی اردن کاملاً متدین و پایبند به مبانی دین اسلام است تلاش‌هایی در راستای انتشار فساد سازماندهی شده در این کشور صورت می‌گیرد. (barari, 2012: 18) دولت اردن قوانین موقت بسیاری را به تصویب رساند که به نوعی سبب نارضایتی شهروندان شد و از مهم‌ترین این قوانین می‌توان به قانون "انتخاب یک نفر" اشاره کرد که بر اساس آن هر شهروند اردنی حق رای دادن به یک

نامزد را دارد. به گفته‌ی کارشناسان، هدف اصلی آن به حاشیه کشاندن احزاب مخالف دولت و در راس آنها اسلام‌گرایان کشور بود. (matzek,2011: 7)

اردن بنا به موقعیت جغرافیایی و ترکیب جمعیتی و گرایش‌های سیاسی رایج در آن، همسایگی با سوریه و بحران جاری در آن، وجود قبایل مختلف که امکان بهره‌برداری سیاسی مناسب از آنها وجود دارد و قوی‌بودن گروه‌های اسلام‌گرای نظیر، حزب جبهه‌ی اسلامی با هدایت اخوان‌المسلمین در قامت یک اپوزیسیون و گروه‌های رادیکال دیگر مثل گروه‌های سلفی در شمال، همگی این پتانسیل را داشته‌اند که زمینه‌ساز رخ دادن انقلاب یا بحران باشند (lucasr, 2008: 9)

۳- مشکلات اقتصادی

از دیگر عوامل و شرایطی که فرایند اعتراضات در اردن را فراهم می‌کند مشکلات اقتصادی است. به نوشته‌ی تارنمای منطقه‌ای "دیدبان اقتصادی" (به نقل از کتاب "واقعیت جهان در سال ۲۰۱۰" منتشره توسط سازمان سیا در سال ۱۳۸۸) درآمد دولت اردن ۵/۵۴۵ میلیارد دلار و هزینه آن ۸/۲۲۳ میلیارد دلار بوده، بدهی آن ۶/۷۹۴ میلیارد دلار، نرخ بیکاری ۱۳/۵ درصد البته نرخ غیررسمی آن ۳۰ درصد بوده است. براساس اعلام بانک جهانی ۱۴/۲ درصد جمعیت اردن زیر خط فقر هستند. ادامه‌ی روند کسری بودجه سبب شده دولت اردن مالیات کالاهای اساسی را افزایش داده و یارانه‌ی برخی کالاهای اساسی را بردارد. افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، فقر، بیکاری و مسائلی از این دست سبب شده است تا اردن شاهد اعتراضات باشد و احتمال سرایت حوادثی نظیر آنچه در تونس یا الجزایر رخ داده، به اردن نیز کشیده شود. درخصوص زمینه‌های اقتصادی، ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر در اردن و فساد تهدیدی برای اوضاع اقتصادی کشور است و پرونده‌های فساد وجود دارد که در سطح سیاسی و رسانه‌ای مطرح شده است، اما دولت در پیگیری آن جدی نیست. سازمان شفافیت بین‌المللی در مورخه‌ی ۲۰۱۲/۱۲/۶ گزارش سالانه‌ی خود را در خصوص رتبه‌ی کشورهای جهان به لحاظ فساد اداری و اقتصادی منتشر نمود. این سازمان اعلام کرد به رغم تلاش‌های صورت گرفته در بخش‌های مختلف جهان، جدول تهیه شده توسط آن بیانگر آن است که دو سوم از مجموع ۱۷۶ کشور مورد بررسی، امتیاز زیر ۵۰ کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد این کشورها بسیار فاسد هستند. در این گزارش کشور اردن با کسب ۴۲ امتیاز رتبه ۵۴ را کسب کرده است (العریبه، ۲۰۱۲/۱۲/۶). شایان ذکر است طبق گزارش سازمان مذکور، در سال ۲۰۱۳ رتبه این کشور به ۶۶ سقوط کرده است. در حال حاضر مشکلات اردن ریشه در نارضایتی‌های اقتصادی دارد که به مدتها قبل از بهار عربی برمی‌گردد. همان‌طور که ملک عبدالله، در مصاحبه اکتبر ۲۰۱۱ با واشنگتن پست، اعلام کرد: "بهار عربی نه به دلیل مسائل سیاسی بلکه به خاطر اقتصاد، فقر و بیکاری آغاز شده است. اگر به عقب برگردیم می‌بینیم، به دلیل چالش‌های اقتصادی است نه سیاسی" (Weymouth,2012: 11)

دولت توسط صندوق بین‌المللی پول برای اتخاذ یک تصمیم به تاخیر افتاده تحت فشار بود، برای تامین مالی، انرژی و واردات مواد غذایی، و برای یک سطح معقول از خدمات اجتماعی، مقامات هیچ چاره‌ای جز "دوباره پر کردن صندوقی که داشت به انتها می‌رسید نداشتند." اما "بسیاری از اردنی‌ها بر این باور بودند که سوء مدیریت و فساد عامل عمده‌ی سوق دهنده‌ی کشور به سوی ورشکستگی است" (Hasan abu nimah, 2012: 16) گفتنی است ضمن اینکه هریک از این عوامل در تداوم اثر پروانه‌ای بهار عربی در اردن تاثیرگذار بوده سازماندهی و ماندگاری این اعتراضات نیز براساس این عوامل شکل گرفته است. با لحاظ مسائل مطروحه فوق و طبق شاخصه‌های تئوری آشوب می‌بایست همانند برخی از کشورها در اردن نیز انقلاب اتفاق می‌افتاد ولی عدم وقوع انقلاب بنابر عواملی بوده است که در بخش دیگر مقاله به آن می‌پردازیم.

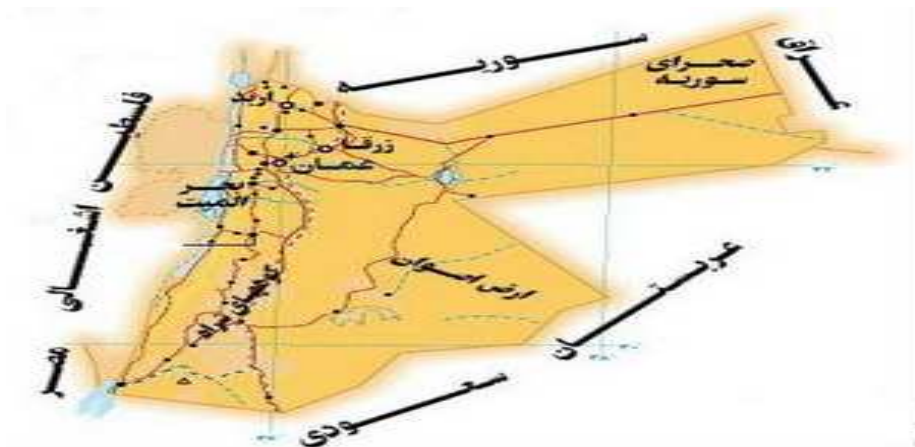
۴- موانع تحقق بهار عربی در اردن

گسترش فناوری‌های ارتباطات، افزایش و تعدد گروه‌ها، کاهش اقتدار رهبران گروه‌های سیاسی - اجتماعی، جهانی شدن، نفوذپذیری مرزها، اصلاح سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی بر اساس ضرورت‌ها و مبانی متحول و جدید جهانی و... نظمی در میان جهان بی‌نظم و پرآشوب به وجود می‌آورد که در نگاه اول ممکن است محسوس نباشد. همانطور که در بخش نظری ذکر شد، در این جهان پرآشوب چگونگی تصمیم‌گیری و گزینش مدیران و تصمیم‌گیران بسیار مهم خواهد بود. برخلاف نظام‌های باثبات سنتی، در نظام پرآشوب تصمیم‌گیری‌ها باید کوتاه‌مدت و اقتضایی بوده و ساختارها موقتی باشند و اصلاح ساختاری همواره مد نظر تصمیم‌گیران باشد تا بتواند سازگاری پویا با شرایط مختلف داشته باشد؛ در غیر این صورت در این جهان پرآشوب از هم پاشیده خواهد شد. از همین جا این بحث پیش می‌آید که در فرایند پرآشوب بهار عربی دولت اردن تا چه اندازه توانسته است جامعه‌ی اردن را مدیریت کند و اینکه آیا موفق خواهد شد یا نه؟ در مقام پاسخ باید گفت علیرغم همه‌ی تحولاتی که از ۲۰۱۱ تاکنون در کشورهای عربی رخ داده و با وجود تاثیر آن بر کشورهای منطقه، کشور اردن تاکنون توانسته بر اعتراضات فائق آید و این مسئله به دلایل مختلفی بوده است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

۱- جغرافیای طبیعی و سیاسی اردن

یکی از مواردی که بر تصمیم‌گیری رهبران اردن در مدیریت شرایط پرآشوب خود اثرگذار می‌باشد جغرافیای طبیعی و سیاسی این کشور است. رهبران این کشور با تکیه بر این عامل تلاش کرده‌اند به مدیریت بحران بپردازند. اردن کشوری در خاورمیانه است که از شمال با سوریه، از شمال شرقی با عراق و از شرق و جنوب با عربستان سعودی و از غرب با اسرائیل و کرانه‌ی باختری رود اردن همسایه است. از آنجا که قسمت اعظم اردن صحراست آب و هوای آن

بیابانی و خشک است. این در حالی است که قسمت غربی کشور در طول سال شاهد بارش نسبی است (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۷)



نقشه‌ی طبیعی و سیاسی کشور پادشاهی اردن (سایت دانشنامه‌ی رشد، ۲۰۱۴)

منابع طبیعی این کشور محدود است و برای تامین منابع آبی و انرژی از همکاری‌های منطقه‌ای بهره می‌برد. این کشور از جمله کشورهای عربی است که فاقد منابع نفتی است و از مهمترین فعالیت‌های اقتصادی آن گردشگری بوده و تولید ناخالص داخلی پایینی دارد. اردن از پراکندگی جمعیتی بالایی برخوردار است و به همین علت هم جمعیت آن در گوشه و کنار کشور پخش شده است. براینکه این پراکندگی، فقدان پیوندها و هماهنگی‌های سیاسی، حزبی و سندیکایی میان احزاب و جریان‌های سیاسی است. در نتیجه‌ی این امر، نظام حاکم می‌تواند به نحو آزادانه‌تر و آسان‌تری با این گروه‌ها و احزاب تعامل کند. خاصه اگر بدانیم که اساساً شکل‌گیری احزاب و فعالیت‌های حزبی در نتیجه‌ی چنین جغرافیایی شکننده است. اما این موضوع به معنای نفی فعالیت‌های حزبی به طور کامل در اردن نیست.

Jordan: Complete Map Set Major Cities



نقشه پراکندگی جمعیت و شهرهای اردن (سایت گوگل، ۲۰۱۴)

جغرافیای خشک و صحرایی اردن همچنین بر تولید ناخالص ملی کشور تاثیر می‌گذارد و به علت ناتوانی کشور در زاینده‌گی اقتصادی و محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی به صنعت توریسم و خدمات، قدرت نظام سیاسی شکننده می‌شود. این امر به نوبه‌ی خود باعث می‌شود حاکمیت در پی برآوردن بخشی از نیازهای مالی و اقتصادی خود از رهگذر دریافت اعتبارات از نهادهای بین‌المللی یا کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر عربستان و ایالات متحده باشد. نتیجه‌ی طبیعی این موضوع هم متأثر شدن حاکمیت از نظر مواضع سیاسی به این کشورها و قدرت‌ها خواهد بود و به تعبیری، نظام حاکم اردن ناگزیر است در اتخاذ مواضع سیاسی خود در قبال مسائل راهبردی و استراتژیک از قبیل مسئله فلسطین و تحولات و رویدادهای منطقه‌ای با نرمش بیشتری رفتار کند و مخالفتی جدی با سیاست قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نداشته باشد. (shadi,2013: 29)

اما سواى جغرافیای داخلی، موقعیت ژئوسیاسی اردن هم تأمل برانگیز است. تعامل اردن با کشورهای همسایه نقشی راهبردی و استراتژیک در شکل‌دادن به تحولات و رویدادهای منطقه داشته است. عراق، مصر، عربستان و سوریه کشورهایی هستند که در گذر تاریخ تحولات سیاسی خاورمیانه تاثیرگذار بوده و بخشی از تاریخ سیاسی خاورمیانه را شکل داده‌اند. طبعاً رویکردها و گرایش‌های سیاسی هر کدام از این کشورها مستقیماً بر اردن اثر می‌گذارد، خاصه اگر به یاد آوریم که اردن علاوه بر این چهار کشور، با سرزمین استراتژیکى به نام فلسطین هم-مرز است و اساساً بنیاد حاکمیت سیاسى‌اش با سرزمین فلسطین و مسئله‌ی فلسطین گره-خوردگی تاریخی دارد. این موقعیت ژئوسیاسی باعث می‌شود تا کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله عربستان و سوریه و نیز اسرائیل و ایالات متحده بر سر نفوذ در این کشور رقابت کنند (haykel,2011: 3) و هر کدام متناسب با قدرت و توان سیاسی خود به جهت گیری سیاسی آن

سمت و سو دهند. در این میان ایالت متحده در مقام هژمونی بین‌المللی توانسته است بر موضع-گیری‌های سیاسی این کشور تاثیرگذار باشد (Richter, 2011: 5) نمود این تاثیر را می‌توان در خاورمیانه و درباره‌ی مسائلی نظیر منازعات فلسطین لمس و مشاهده کرد.

۲- ضعف و تشتت گروه‌های سیاسی و اجتماعی

از دیگر عواملی که امکان مدیریت اعتراضات و نارضایتی در اردن را به دولت آن کشور می‌دهد وضعیت گروه‌های سیاسی و اجتماعی است. در حوزه‌ی مسائل سیاست داخلی، برابری و شکستگی احزاب و اختلاف جریان‌های سیاسی در آن کشور باعث می‌شود که حاکمیت موجود با خیال آسوده‌تری با احزاب و تحركات آنها برخورد کند. ترکیب جمعیتی اردن به گونه‌ای است که بخش اعظم آن را قبایل و عشایر تشکیل می‌دهند. سایه انداختن مکانیسم قبیله‌ای بر حیات اجتماعی، نفوذ حاکمیت در رگ و پوست حیات سیاسی جامعه، کم-شمار بودن احزاب و جریان‌های سیاسی، برتری احزاب اسلام‌گرا نظیر حزب جبهه‌ی عمل اسلامی، بی‌اعتمادی افکار عمومی به تجربه‌های سیاسی احزاب اسلامی در کشورهای عربی از جمله مصر و نیز موفقیت حاکمیت سیاسی در ترساندن جامعه از احزاب باعث شده است تا حاکمیت بتواند با خیالی آسوده با رویدادها، دگرگونی‌ها و کنشگری‌های سیاسی داخلی تعامل کند. (cheristophersen, 2013: 12)

یکی دیگر از ویژگی‌های اعتراضات در اردن، که آن را از دیگر کشورهای درگیر انقلابی عربی متمایز می‌سازد، نه مطالبه برای سرنگون کردن نظام حاکم بلکه درخواست برای تغییر دولت بوده است و همین نگرش گروه‌های سیاسی زمینه‌های تداوم حیات دولت اردن را فراهم ساخته است. اسلام‌گرایان اردن، که اخوان‌المسلمین قوی‌ترین آنهاست، از منظری دینی و عقیدتی به پادشاهی حاکم در این کشور می‌نگرند. طبق دیدگاه آنها پادشاهی هاشمی اردن همان گونه که دولت هم مدعی است ریشه در خاندان پیامبر دارد و از این رو نباید به برانداختن این رژیم اندیشید. بر این اساس به نظر می‌رسد پادشاهی اردن هرچند ژست سکولاریستی می‌گیرد اما به طور غیرمحسوس از ابزاری به نام دین برای بقای در حاکمیت بهره می‌برد. از این رو سقف مطالبات مخالفان اسلام‌گرا در اردن نه تغییر پادشاهی بلکه تغییر نخست‌وزیر و کابینه و ورود اسلام‌گرایان به بدنه‌ی قدرت است. (susser, 2013: 27)

۳- کنترل و مدیریت تحولات سیاسی از سوی دولت

یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از بروز انقلاب در اردن تصمیمات و سیاست‌هایی است که نظام حاکم با اعمال آنها به کنترل اعتراضات پرداخته است. یکی از این اقدامات نفوذ نهادهای امنیتی در تمامی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در سالهای اخیر نظارت شدید بر فضای سایبری و در کنترل بودن این نهادها، مشروعیت‌بخشی و کنترل ایدئولوژیک بر جامعه با انتساب دینی خاندان حاکم به بنی هاشم (نام کامل اردن، پادشاهی اردنی هاشمی است) از جمله تلاش‌هایی است که باعث شده تا امکان مخالفت و خیزش علیه حاکمیت تا حدی کاهش یابد.

تمامی این عوامل درونی سبب شده تا اردن همزمان با تحولات و انقلاب‌های شتابنده‌ی کشورهای عربی صحنه اعتراضات مردمی باشد اما به سرعت این اعتراضات رو به افول گذارد. چنانچه اشاره شد از آنجائی که هدف عمده اعتراضات تغییر دولت‌ها بوده است و نه انقلاب، لذا پادشاه دولتها (مثل دولت معروف البخیت و سمیر الرفاعه) را یکی پس از دیگری قربانی اعتراضات کرد و با برگزاری انتخابات پارلمانی زودهنگام و اصلاح قانون اساسی و جدی گرفتن احزاب و تعامل مستقیم با آنها، امکان هرگونه حرکت رو به بالای اعتراضات و به سمت راس هرم قدرت و پادشاهی را مهار کرد و آنها را به مطالبه برای تغییر دولت منحصر ساخت و در نهایت آنها را متوقف کرد. آنچه به دولت در این راه کمک کرده است سیاست‌هایی است که طی دو دهه اخیر اتخاذ کرده است. دولت اردن از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به عنوان فرصتی برای محدود کردن آزادی‌ها استفاده کرده و آزادی رسانه‌ها بیشتر محدود شده است. تغییرات در قانون به دولت این کشور اجازه داده تا روزنامه‌نگاران را به اتهام "برهم زدن هنجارهای اساسی جامعه از طریق ترویج انحراف از حق" و "تهدید یکپارچگی دولت" مجازات کند. (Medinkoff, 2002)

دولت‌مردان اردنی محدودیت‌های بسیاری را بر مطبوعات اعمال می‌کنند، در ژوئن ۲۰۱۳ طی دستوری دویست وبسایت به بهانه‌ی نداشتن مجوز رسمی از نهادهای دولتی تعطیل گردید (Hiyari and barhum, 2012: 286) همچنین توان احزاب سیاسی برای بسیج علیه رژیم محدود و پارلمان تحت کنترل پادشاه است. (Lucas, 2005: 7) اردن از دادگاه‌های نظامی و نهادهای امنیتی برای سرکوب افرادی که در تجمعات مسالمت‌آمیز شرکت کرده‌اند استفاده می‌کند؛ به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۲ جوانی به اتهام توهین به عکس پادشاه محاکمه شد. بسیاری از فعالان به اتهامات گوناگونی چون اخلال در نظم عمومی، تخریب اموال دولتی و توهین به مقامات دولتی محکوم و در دادگاه‌های فرمایشی محاکمه شدند. دولت اردن با تکیه بر تاکتیک‌ها و مهارت زیاد تلاش دارد تا بحران‌های داخلی کشورش را مدیریت کند. نیروهای امنیتی بر بسیاری از نهادهای کلیدی این کشور مسلط شده‌اند. در مقابل، دولت با در دست گرفتن رسانه‌های اصلی و با اعمال محدودیت بر سایر رسانه‌های جمعی تلاش می‌کند نقش مترسک در یک مزرعه را ایفا کند (Holger/ schlumberger, 2004: 21) بنابراین دولت اردن در حوزه‌ی داخلی با تکیه بر سیاست "چماق و هویج" تاکنون توانسته اهدافش را محقق سازد و پایه‌های حکومتش را مستحکم کند. همچنین تحولات منطقه نیز توسط مقام‌های اردن مورد استفاده قرار گرفته است. دولت اردن به شکل ماهرانه‌ای توانسته ثبات اقتصادی و سیاسی خود را حفظ کند. هجوم پناهندگان سوری و عراقی، توجه جامعه‌ی بین‌الملل به حوادث سوریه و گسترش افراط‌گرایی در منطقه موجب شده است که توجه به مسائل اردن کمتر شود. با شکل‌گیری نخستین جرقه‌های اعتراضات، عبدالله دوم در اولین گام کوشید با اعطای آزادی‌های سیاسی بیشتر و اعمال تغییرات در ساختار حکومتی از جمله استعفای دولت و عزل (سمیر رفاعه)

نخست وزیر، تا حدودی آتش اعتراض‌های مردمی را فرونشاند. منحرف کردن نگاه‌های عمومی از سیستم پادشاهی حاکم و معطوف کردن آن به مسائل اقتصادی و سپس دولت و نخست وزیری در رأس خواسته‌های عبدالله دوم قرار دارد. از زمان استقلال اردن در سال ۱۹۴۶، چرخش نخبگان به عنوان یک استراتژی برای نگهداری رژیم این کشور استفاده شده است (25 Holger/schlumberger, 2004). پادشاه هفتاد وزیر مختلف و نخست وزیر را به‌طور فردی و یا کل کابینه‌ی دولت را عزل کرده است بدون اینکه تغییر اساسی در ساختار سیاسی اتفاق بیفتد (Schenker / polloch, 2011: 19). قبل از اولین تظاهرات در تونس و اعلام آغاز بهار عربی و برخلاف تظاهرات در کشورهای دیگر که به صورت اتفاقی صورت گرفت، تظاهرات در اردن توسط نیروهای سیاسی، سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده بود. اول، صدای مخالفان شامل اعتراض بسیاری از مقامات دولت سابق بود. در اول می ۲۰۱۱ بود که گروهی از افسران ارتش بیانیه‌ای صادر کردند، این گروه در محافل سیاسی اردن دارای نفوذ و مورد احترام است. تظاهرات سازماندهی شده چند بار در سراسر کشور رخ داده است. تقریباً پنج ماه قبل از فوران انقلاب تونس، تظاهرات معلمان در اردن آغاز شد، در حالی که تظاهرات به شکل گسترده رو به رشد بود ولی خشونت‌آمیز نبود (cheristofhersen, 2013: 15) دلایل زیادی برای این امر وجود داشت از جمله اینکه دولت در استفاده از خشونت علیه تظاهرکنندگان محتاط بود. در عین حال، معترضان امیدوار بودند که بتوانند با پادشاه برای دستیابی به تغییرات کار کنند. آنها اعتقاد دارند که خشونت تنها به موقعیتشان در مذاکره صدمه می‌زند و در نتیجه هر فرصتی برای اصلاحات از بین می‌رود (cheristofhersen, 2013: 16) به گزارش مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه اردن (css) ۸۰ درصد مردم اردن با تظاهرات خیابانی موافق نیستند، ۵۵ درصد آنها معتقدند این اقدامات منجر به هرج و مرج و خرابکاری و تضعیف امنیت و ثبات می‌شود. (abu rumman, 2011: 4) در تظاهرات اردن، مقامات این کشور سیاست «چماق و هویج» را اتخاذ کرده و ضمن دادن فضای عمل به تظاهرکنندگان برای ابراز خشم خود، در عین حال با استفاده از زور برای ایجاد خطوط قرمز خاص، به ویژه هنگام نقد علیه سلطنت، آنها را کنترل می‌کند (Samuel and helfont, 2012: 32) مسئله‌ی مهم دیگر برای جلوگیری از اعتراض فلسطینیان اردن و همچنین آرام کردن بخش زیادی از طیف‌های ضد اسرائیلی مردم اردن، بهبود روابط اردن و حماس بوده است. خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس دوازده سال پس از تبعید برای دیدار از اردن و برای گفت‌وگو با پادشاه اردن ژانویه سال ۲۰۱۲ اجازه ورود به اردن را یافت. حماس به دلیل بحران در سوریه در تلاش برای انتقال دفتر سیاسی به اردن است، این توسعه باید در چارچوب ائتلاف عرب به رهبری قطر با هدف تقابل با ایران هم دیده شود (Keliani musa, 2012: 2) اما این قبیل اقدامات تمامی گروه‌های معترض را راضی نکرد و هنوز هم صداهای مخالفی از سوی احزابی چون جبهه عمل اسلامی، بزرگترین طیف مخالف در

اردن، به گوش می‌رسد که خواست‌هایی چون تغییر قانون اساسی، برکناری نخست وزیر جدید و انحلال مجلس را مطرح می‌کنند.

۴- عوامل بین‌المللی

سیاست خارجی دولت اردن را می‌توان یکی دیگر از عواملی دانست که بر فرایند مدیریت شرایط پراشوب اردن تاثیرگذار بوده است. در شرایطی که اردن، به عنوان دومین کشور عربی_اسلامی، وجود کشور اسرائیل را به رسمیت شناخته و مرزهای مشترکی با این کشور دارد تعامل نمایندگان آمریکا با این کشور نشان از همکاری آنها در کنترل اوضاع اردن دارد. در مقابل نیز عبدالله دوم برای برون‌رفت از بحران ایجاد شده، به دنبال همراه کردن چهره‌های بین‌المللی و رؤسای کشورهای دیگر با خود بوده است. به نظر می‌رسد پادشاه این کشور با توجه به سرنوشت حاکمان کشورهای اطراف خود، راهنمایی‌های ارائه شده از سوی کارشناسان غربی را در برنامه‌های خود قرار داده تا پس از کنترل خشم و نارضایتی عمومی، به اصلاحاتی آرام دست بزند که نه فقط پایه‌های حکومتی وی را متزلزل نکند بلکه منافع حامیان غربی خود را نیز تامین کند (barari,2012: 20) اردن علاوه بر اینکه به محض آغاز توفان عربی دست به اصلاحاتی زد، بر قرارداد صلح با اسرائیل و حمایت‌های این رژیم نیز تکیه کرد. اتخاذ سیاست‌های همسو با سیاست غرب در منطقه و اعمال قرارداد صلح با اسرائیل علاوه بر اینکه تضمین‌کننده امنیت این کشور است، ضامن ماندگاری حاکمیت کشورهای دارای معاهده صلح با اسرائیل یا دست کم روابط قوی هرچند غیرعلنی با این رژیم هم هست (susser,2013: 36) مخالفان برای هرگونه تقویت نقش خود نیازمند حمایت یا تأیید خارجی هستند و این نکته‌ای است که اسلام‌گرایان به آن توجه دارند و به خوبی می‌دانند که کشوری که نیازمند حمایت ایالات متحده است و مهمترین همکار منطقه‌ای اسرائیل است هیچ‌گاه تحت فشار قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار نخواهد گرفت تا قدرت را به دست اسلام‌گرایان بدهد. (susser,2013: 38) از دیگر عواملی که در عرصه‌ی بین‌المللی بر سیاست خارجی و تصمیمات حاکمان اردن در رویارویی با اعتراضات یاری می‌رساند حمایت‌های مالی است که از سوی برخی از کشورهای نزدیک صورت می‌گیرد. به‌طور مثال، عربستان سعودی در سال ۲۰۱۱ کمک هزینه‌ی ۴۰۰ میلیون دلاری ارائه داد و شورای همکاری خلیج فارس متعهد شد به اردن در پنج سال آینده بیش از (۲ میلیارد دلار) کمک کند. آنها از اردن برای پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس دعوت کرده‌اند. (Schenker,2011: 15) ایالات متحده نیز در سال ۲۰۱۲ علاوه بر کمک‌های نظامی مبلغ ۶۸۲ میلیون و هفتصد هزار دلار کمک مالی کرد. بدین ترتیب باید گفت عربستان و آمریکا علیرغم جهت‌گیری‌های متفاوت در قبال اردن، هیچکدام مایل به از دست دادن یک متحد پایدار و با ارزش در منطقه نیستند. (sharp,2011: 20)

۵- مشروعیت بخشی به حاکمیت

یکی دیگر از تلاش‌های دولت اردن در مدیریت اعتراضات، استفاده از ابزارهای نمادین برای تغییر ذهنیت معترضان و ایجاد مقبولیت و مشروعیت در جامعه بوده است که به اشکال مختلف صورت گرفته است. خاندان هاشمی در تلاش برای به تصویر کشیدن خود به عنوان یک ضرورت در اردن بر نقش واسطه‌گری خود بین گروه‌های سیاسی رقیب به عنوان مثال، قبایل شمالی در مقابل قبایل جنوبی، فلسطینی‌ها در مقابل اردنی‌ها تکیه نموده است. تشدید شکاف‌های اجتماعی، مثل موضوع اردنی‌ها و جامعه‌ی فلسطینی‌ها که به‌عنوان برشی برای تقسیم جمعیت وفادار و همچنین مخالفین استفاده می‌شود همواره وجود داشته است. در واقع، اردنی‌های فلسطینی توسط اردنی‌ها "کمتر اردنی" در نظر گرفته می‌شوند و در نتیجه کمتر به خانواده‌ی سلطنتی و دولت وفادار محسوب می‌گردند. برش دیگر مربوط به تقسیم تمایز بین طرفداران و مخالفان بی‌وفا است. تصویر غالب رژیم این است که هر کسی که طرفدار پادشاه است آشکارا نشان می‌دهد و در غیر این صورت بی‌وفا و دشمن منافع ملی تلقی می‌شود. به این سبب است که تصریح شده بدون خانواده‌ی سلطنتی، اردن به طور مستقیم به هرج و مرج و به دنبال آن به مبارزات خشونت‌آمیز گرفتار خواهد شد. رژیم هاشمی به عنوان عاملی که همه را با هم نگه می‌دارد، تصور می‌شود. (shadi/freer,2011: 22) به خصوص در میان اردنی‌ها یک ترس نهفته است که در صورت فقدان یک دولت واقعاً دموکراتیک، آنها قدرت سیاسی را توسط اکثریت فلسطینیان اردن از دست می‌دهند. (Helfont,2011: 29) در مورد مشروعیت خارجی، به دلیل ترس از اینکه بی‌ثباتی منطقه سلطنت اردن را سرنگون کند، حاکمان اردن اغلب در زمین غرب بازی می‌کنند. به عنوان مثال، مرزهای طولانی اردن با عراق باعث شده ثبات داخلی اردن برای ایالات متحده بسیار مهم باشد. و به همین دلیل با به تصویر کشیدن سلطنت به عنوان تنها سدی در برابر اسلام‌گرایی و تروریسم و ترس غرب از آنها، برای جلب مشروعیت خارجی تلاش کرده است.

علاوه بر این شاه اردن برای جلب مشروعیت بیشتر اقدام به بازدید از مناطق مختلف کشور نموده و در طول بازدید خود به مناطق قبیله‌ای، سعی کرده به جلب مشروعیت سنتی و بسیج حمایت‌های سنتی با شنیدن خواسته‌ها و استفاده از نعمت شاهی، که توسط یک رهبر سنتی اهدا می‌گردد بپردازد (abu-rish ziad,2012: 4) با گسترش اعتراضات، حکومت اردن تلاش می‌کند امتیازاتی را برای کنترل اوضاع بدهد. با بالا بردن حقوق و ارائه‌ی مجدد یارانه که قبل از آن قطع کرده بودند، نخست وزیر رفاعة در اوایل سال ۲۰۱۱ اعلام کرد یک بسته‌ی ۲۳۰ میلیون دلاری برای کاهش هزینه‌ی نان و سوخت و همچنین برای ایجاد شغل اختصاص داده است. هنگامی که این اقدام موفق به جلوگیری از معترضان شد یک بسته‌ی ۵۵۰ میلیون دلاری برای سوخت و کالاهای اساسی مانند شکر و برنج ارائه داد. در کنار این اقدام، پادشاه اردن تاسیس صندوق توسعه را با ۲۱ میلیون دلار برای ایجاد شغل اعلام کرد و مبلغ ۲۱۱ میلیون دلار برای

حمایت از توسعه‌ی اقتصادی در همه‌ی استانها اختصاص داده شد. همه‌ی این تلاشها برای بازگرداندن مشروعیت صورت گرفت. علاوه بر این پادشاه سوار بر یک تور در سراسر کشور بعنوان یک استراتژی برای تخصیص منابع به استانها و به اعطای نعمت سلطنتی اقدام کرد (Jousa maria, 2011: 8). طی قرن‌ها در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، ایلات و عشایر به خلافت مسلمانان و عثمانی و همچنین برای خاندان هاشمی، به عنوان فرزندان پیامبر(ص) مشروعیت داده‌اند (Bernard lewis, 2012: 12) از نظر عبدالله، سلطنت باید به نقش بسیار مهم و اساسی در نظام سیاسی اردن به بازی ادامه دهد و در چشم‌انداز آینده‌ی اردن، برای همیشه باقی بماند. در حال حاضر سلطنت به‌عنوان "نماد وحدت ملی و صدای تمامی اردنی‌ها" در دفاع از ارزش‌های اصلی خود و همچنین به عنوان حافظ قانون اساسی خدمت می‌کند. سلطنت به عنوان یک سوپاپ اطمینان و آخرین راه حل به حل و فصل اختلافات می‌پردازد و از این که ارتش، نیروهای امنیتی، قوه‌ی قضاییه و مقامات مذهبی عموماً بی‌طرف، مستقل، حرفه‌ای و غیرسیاسی باقی می‌مانند مطمئن می‌گردد و "همچنان در مسائل استراتژیک حیاتی، سیاست خارجی و امنیت ملی نقش مهمی بازی می‌کند" (jamal halabi, 2013: 6) اصلاحات عبدالله، به هیچ وجه باعث تغییر اساسی که حقوق سلطنت را تضعیف یا شانس برنده شدن اسلام‌گرایان در انتخابات را فراهم سازد نمی‌شود (Hiyari, 2012: 9)

نتیجه‌گیری

هیچ کس نمی‌توانست تصور کند سرنوشت یک منطقه با چندین کشور و رهبران قدرتمندی که طی دهه‌ها حاکمیت بی‌چون و چرای خود را اعمال کرده و کمتر نیرو و گروهی توان مقابله با آنها را درخود می‌دید با یک اتفاق غیر قابل پیش‌بینی کوچک (اثر پروانه‌ای خودسوزی دست-فروشی در کشور تونس) دچار تحول گردد. اما در میان کشورهایی که از سال ۲۰۱۱ صحنه‌ی انقلاب‌ها و دگرگونی‌های شدید و پرشتاب سیاسی در خاورمیانه بودند، برخی کشورها از جمله پادشاهی اردن علیرغم اعتراضات دچار تزلزل سیاسی نشد. هر چند در ابتدا در اثر تاثیر بهار عربی مخالفان دولت اردن جسارت پیدا کردند و اعتراضاتی صورت پذیرفت و به نظر می‌رسید که اردن نیز به سرنوشت تونس، لیبی و مصر و ... گرفتار خواهد شد، اما این اعتراضات به سرعت رو به خاموشی گرایید و فراز و فرود چندانی را در این مدت تجربه نکرد و دولت اردن با اعمال سیاست‌ها و اتخاذ تصمیمات متناسب با مقتضیات جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی اردن توانسته است که بحران پیش آمده را مدیریت کند. جلب حمایت برخی از کشورهای غربی و عربی، اتخاذ سیاست خارجی اعتدالی در منطقه، انجام اقدامات اصلاحی، برخورد‌های اقتصادی با اعتراضات و... از جمله راهکارهای مورد استفاده‌ی اردن در این راه بوده است. دستاورد این اقدامات بعد از گذشت سه سال از آغاز بهار عربی این بوده که دولت اردن توانسته است از وقوع انقلاب سیاسی جلوگیری کند و به نظر می‌رسد از آنجائی که بستر

اعتراض همچنان در جامعه‌ی اردن باقی است لذا می‌توان انتظار داشت مدل و شیوه‌ی تحول و وقوع بهار عربی در اردن هم از نظر مدت زمان وقوع و هم شیوه‌ی وقوع متفاوت باشد و به صورت اصلاح‌طلبانه و کمتر خشونت‌آمیز شکل گیرد. مضاف بر این همچنان پتانسیل انقلاب در این کشور فعال است و اعتراضات برای کوتاه مدت شکل آتش زیر خاکستر به خود گرفته که هنوز به صورت کامل خاموش نشده است.

کتاب‌نامه

الف - منابع فارسی

۱. اپتر، دیوید. ای، آندربین، چارلز. اف، (۱۳۸۰)، اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، ترجمه‌ی محمدرضا سعیدآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
۲. ادگار، مورن، (۱۳۸۸)، درآمدی بر اندیشه‌ی پیچیده، ترجمه‌ی افشین جهاننیده، تهران، نشر نی.
۳. استیسی، د، رالف، (۱۳۸۷)، مدیریت بر ناشناخته‌ها، مترجمان: محسن قدمی و مسعود نیازمند، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۴. الوانی، سید مهدی و دانایی فر، حسن، (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری از نگاه نظریه‌ی آشوب، تحول اداری، دوره‌ی پنجم شماره‌ی ۲۱.
۵. الوانی، سید مهدی، (۱۳۸۷)، بازتاب جلوه‌های نظریه‌ی بی‌نظمی در مدیریت، مجله‌ی مطالعات مدیریت، شماره‌ی ۳۶.
۶. حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۸)، دولت و جهانی‌شدن در خاورمیانه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.
۷. حیدری، غلامحسین و همکاران، (۱۳۸۱)، نگرش نوین به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه.
۸. روزنا، جیمز، (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران، نشر روزنه.
۹. کتاب سبز اردن، (۱۳۸۷)، تهران، وزارت امور خارجه.
۱۰. متقی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه‌ی بحران - نقش عربستان در رقابت‌های منطقه‌ای، همشهری دیپلماتیک. شماره‌ی ۸۰.
۱۱. مهری، علی، (۱۳۸۱)، کاربرد نظریه‌ی بی‌نظمی در سازمان‌ها، ماهنامه‌ی تدبیر، شماره‌ی ۱۲۹.

ب - منابع انگلیسی

12. Abu-Rish Ziad. (2012). *On the Nature of the Hashemite Regime and Jordanian Politics* an Interview with Tariq Tell. (Part 1). [Jadaliyya. http://www.jadaliyya.com](http://www.jadaliyya.com).

13. Albrecht.Holger/ Schlumberger.Oliver. (2004) . Waiting for Godot. Regim Change without Democratization in Middle East. *In International Political Science Review*.vol 25.No 4.
14. Anderson Lisa.(2011).Demystifying the Arab Spring.Parsing the Differences Between Tunisia.Egypt and Libya.*Foreign Affairs. Middle East*.No 118.
15. Apalagha Roxana.(2011).*Plausible and Implausible of Jordans Protests*.Middleeast political and Economic Institute. September 30. <http://mepei.com>.
16. Assaf David.(2010). the Revolt of Jordans Military Veterans .*Foreign Policy-the Middle East Channel* june.<http://Mideast.Foreignpolicy.com/artticales/2010/06/15>.
17. Barnes-Dacey.Julian (2012).*Europe and Jordan Reform befor it is too Late*.Foreign Policy Brief.European Cocncil on Foreign Relation.April.www.ecfr.eu.
18. Bernard Haykel.(2011) .*Saudi Arabia vs . the Arab Spring. Project Syndicate*.August 16.www.project-syndicate.org.
19. Bernard Lewis.(2012).*Monarchy in the Middle East*. In Kostner. 15-22.
20. Cheristofhersen Mona.(2013).Protest and Reform in Jordan2011 to 2012.*Memo to Norwegian Ministry of Foreign Affairs* .oslo.faf.No 50.
21. Dadush URI & Michele Dunne, (2011). American and European Responses to the Arab Spring: What is the Big Idea? *The Washangton Quarterly*.
22. Dr Ashar Susser. (2013). Is the Jordanian Monarchy Danger? *Middle East Brief*. April.No 72.
23. Edward.W.Genhm.jr. (2011). Jordan and the Current Unrest in Syria. *United States Institute of Peace*. November 7 . <http://www.usip.org>.
24. Hamid.Shadi/freer. Courtney.(2011).How Stable is Jordan?.King Abdullahs Half – Hearted Reforms and the Challenge of the arab spring. *Brooking Doha Center*.Policy Briefing. <http://www.brookings.edu>.
25. Hasan Abu Nimah. (2012).Understanding the Seriousness of the Crisis . *Jordan Times* . November 13.
26. Hasan. A.Barari and Christina Satkowski. (2012).*Ortadogu Etutleri*.January. Volume 3. No2
27. Helfont. Samuel and.Tally Helfont. (2011). Jordans Protests Arab Spring lite? *Foreign Policy Research Institute*.July. <http://www.fpri.org>.
28. Hiyari and Barhum. (2012) .*Al-ray and the Jordan Times* .Desamber 5.
29. *Interview with Jamal Halabi in the Associated Press*.(2013).March 20.
30. Jamjoum . Hazem.(2012) .*Palestinian Refugees in Jordan and the Revocation of Citizenship* . al-Madjal.<http://www.badil.org>.
31. Jeremy m Sharp. (2011).Jordan Background and Us Relations . Washington d.c. *Congressional Research Service*.

32. Jousa Maria.(2011). Co-Optation as a Strategy of Authoritarian legitimation.Success and Failure in the Arab World.***Paper Prepared for the 6th Egypt general Conference***. Reykjavik . 25-27 August . No 3703.
33. Keliani . Musa.(2012). ***Jordan Confirms Meshaal Visit***. The Golf Today. January 1 <http://gulftoday.ae>.
34. Lally Weymouth. (2012).***In Interview With Ghassan Sharibil in al-Hayat*** June 20 .
35. Lucas. Russell E.(2005). Institution and the Politics of Survival in Jordan. ***Domestic Responses to External Challenges***.1988-2001 . State University of New York.vol 16.No 4.
36. lucas.r.(2008).Side Eeffects of Regime Building in Jordan .the State and Nation .***Civil War***.vol.10.No.3
37. Mahammad Abu Rumman,(2011) .(Arabic) ah-Khwan al-Muslimun ma bad Muqat a Intikhabat.(***Amman Center for Strategic Studies.University of Jordan***).
38. Medinkoff. David.(2002).***Monarchical Stability and Political liberalization Connections between Jordan and Morocco***.In joffe George (eds) Jordan in Transition . London . Hurst and Company.91-110.
39. Muasher.Marwan.(2011).***a Decade of Struggling for Reform Effort in Jordan. The Resilience of the Rentier System'***, The Carnegie Papers, Carnegie Endowment for International Peace, May.
40. Paul Richter and Neela Banerjee.(2011) .us- Saudi Rivalry Intensifies. ***The los Angeles Times*** . June 19.Quarterly.
41. Ruhayil Gharaibeh. (2011). Muslim Broderhood Shura Council and Head of Jaf Political Office.Interview. ***Amman News*** .Oktober3.
42. Salih al Qilab. (2011).Jordan and the Gulf Cooperation Council.What are the Pros and Cone?. ***Al Sharq Al Awsat***, May19, www.aawsat.com.
43. Samuel and Tally Helfont .(2012) . ***Jordan: Between the Arab Spring and the Gulf Cooperation Council***.Foreign Policy Research Institute.
44. Schenker.David/ Polloch.David .(2011).Jordan Heightend Instability.But not yet a Major Crisis . ***The Washington Institute.Policy*** .No 1748.
45. Shamuel Bar.(1998) . ***The Muslim Brotherhood in Jordan***. Dayan Senter.
46. Skupin, Lucas, (2011).***To What Extent Did the Arab Spring Trigger a Transformation of Dominant Paradigms in France Foreign Policy?*** Master in Advanced European and International Studies, Anglophone Branch, 2010/2011 Master-Thesis, 20 jun.
47. Sorensen, David. S, (2011). Transitions in Arab World Spring or Fall, Strattegic Studies Spring: What is the Big Idea? ***The Washangton Quarterly***.
48. Susser.Jordan(2011).Uneasy lies the Head. “Statement by National Figures Warns of Dangers to Jordan if Reform Is Not Implemented Fast,” ***Ammon News***, February 6.
49. Torsten Matzek / Gina Burger.(2011). ***Arab Spring light the Protests in Jordan*** . Eberhard Karl University.

50. «*Tunisia's Ben Ali Flees Amid Unrest*». Al Jazeera .15 January 2011.
51. «*Thousands Protest in Jordan*». Al Jazeera .28 January 2011.
52. «*Middle East Protests: Jordan Sees Biggest Reform Rally*». BBC News . 25 February 2011.
53. «*Jordanians Protest Against Soaring Food Prices*». The Guardian .15 January 2011.